

## ابوسعید خراسی

نوشته مریم شعبانزاده، علی اصغر میرباقری

یکی از عرفای بنام قرن سوم احمد بن عیسی ابوسعید خراسی بغدادی است. از زندگی او اطلاع کمی در دست است. نام پدرش در همه منابع عیسی و کنیه اش در قریب به اتفاق مراجع ابوسعید آمده است.<sup>۱</sup> تاریخ تولدش به درستی مشخص نیست. بغدادی الاصل است.<sup>۲</sup> قدیم ترین منبعی که شرح احوال و اقوالی از ابوسعید را آورده است اللّٰمع ابونصر سراج (متوفی ۳۷۸) است. و نیز در تفسیری از قرآن مجید که احتمالاً مربوط به قبل از قرن چهارم ق است ذکر می از او رفته است.<sup>۳</sup> گفته اند از دو فرزند پسرش یکی از آنها در زمان حیات او وفات یافته است.<sup>۴</sup> پس از طرح مباحثی در کتاب السّکرکه به سبب آن مردم بر او شوریدند به مصر رفت.<sup>۵</sup> به نوشته بروکلیمان ابتدا به بخارا هجرت کرد و سپس در مصر اقامت

۱. خاتم «آن ماری شیمل» در کتاب ابعاد عرفانی اسلام کنیه او را ابوبکر ذکر کرده است که احتمالاً سهواست. نگاه کنید به: ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه دکتر گواهی، ص ۱۱۷.
۲. طبقات سلمی، ص ۲۲۸؛ تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۱؛ ترجمه رساله قشیری، ص ۶۲؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰؛ تذکرة الاولیاء، ص ۴۵۶؛ نفحات الانس، ص ۷۲؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۱۹۲؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۳۸؛ تاریخ التراث، ج ۱، جزء رابع، ص ۱۲۷؛ تاریخ الادب عربی، ج ۳، ص ۶۳.
۳. تفسیری بر عشری از قرآن مجید، ص ۳۹۷.
۴. تذکرة الاولیاء، ص ۴۵۸.
۵. طبقات انصاری، ۱۸۳ و ۵۵۴ و نیز نفحات، ص ۲۷۲.

گزید<sup>۶</sup> و به ذوالنون پیوست<sup>۷</sup>. مدتی نیز در مکه مجاور بوده است<sup>۸</sup>. ابن عساکر گذرش به شهر صیدا را تأیید کرده است<sup>۹</sup>. به نقل صاحب تاریخ بغداد خواهرش حواریه نیز جذب صوفیه شد.<sup>۱۰</sup> نوینا محل اقامت او را نخست در بغداد، سپس در بخارا، رمله، بیت المقدس، مکه و قاهره دانسته است.<sup>۱۱</sup>

### لقبهای خَزّاز

وی القاب «لسان التّصوّف»، «قرالصّوفیه»، «یوسف» و «ماه صوفیان» داشته است که وجه تسمیه هر کدام ذکر می شود:

«او رالسان التّصوّف گفتندی و این لقب از بهر آن دادند که در این امت کس را زبان حقیقت چنان نبود که او را». <sup>۱۲</sup> و به نقل از طرسوسی او قرصوفیه است<sup>۱۳</sup> و یوسف و ماه صوفیان هم به او گفته اند. وجه تسمیه او به خَزّاز در اللّمع چنین آمده است: و یقال ان اباسعید الخَزّاز رحمة الله خرج سنة من السنین من الشّام الی المکة مع القافله فجلس لیلة الی الصّباح یخرز فقال اصحابه من الفقراء و الصّوفیه <sup>۱۴</sup> و نیز گفته اند که از خرز کفش می دوخت و سپس می شکافت.<sup>۱۵</sup>

### وفات

تاریخ وفات او را به اختلاف نوشته اند. ابو عبدالرحمن سلّمی<sup>۱۶</sup> و ابن جوزی<sup>۱۷</sup> و ابن اثیر<sup>۱۸</sup> و خطیب

۶. تاریخ ادب عربی، ج ۳، ص ۶۳.
۷. طبقات سلّمی، ص ۲۲۸، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ تاریخ الادب عربی، ج ۳، ص ۶۳.
۸. طبقات الصوفیه انصاری ص ۱۵۹؛ نفعات الانس، ص ۷۲.
۹. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰.
۱۰. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۴۳۹؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۸.
۱۱. تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ص ۱۸۱.
۱۲. تعرف، ص ۳۰؛ تذکره، ص ۴۵۶.
۱۳. تاریخ بغداد، ج ۵ ص ۳۲؛ الانساب سمرانی، ج ۲، ص ۲۳۵؛ معجم الآداب فی معجم الاقاب، ج ۳، ص ۴۵۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۱؛ تاریخ اسلام، نهبی ص ۷۸ (حوادث ۲۸۱-۲۹۰).
۱۴. اللّمع، ص ۱۹۶.
۱۵. الانساب سمرانی، ج ۲، ص ۳۳۵؛ نفعات الانس، ص ۷۲.
۱۶. طبقات صوفیه، ص ۲۲۸.
۱۷. صفة الصّوفیة، ج ۱، ص ۲۶۴؛ المنتظم، ج ۱۲، ص ۲۸۲.
۱۸. الکامل، ج ۷، ص ۴۴۰.

بغدادی<sup>۱۹</sup> و ابن اثیر جززی<sup>۲۰</sup> در حوادث ۲۷۷ و ابن کثیر<sup>۲۱</sup> و ذهبی<sup>۲۲</sup> و مستوفی<sup>۲۳</sup> و سمعانی<sup>۲۴</sup> در همین سال آورده‌اند. مؤلف تاریخ بغداد و ذهبی در البداية و النهایه و نیز سمعانی در انساب و ابن اثیر تاریخ ۲۴۷ را نیز ذکر کرده‌اند. بعضی سال مرگ او را ۲۵۲۷۹<sup>۲۵</sup> و در قاهره آورده‌اند. <sup>۲۶</sup> یکی از شاگردانش به نام ابوالقاسم عثمان بن مردان النهاوندی وفات او را به سال ۲۸۶ نقل کرده است<sup>۲۷</sup> که از جانب دیگران تأیید شده است. <sup>۲۸</sup> مؤلفان تاریخ بغداد و الكامل و البداية و النهایه تاریخ ۲۷۷ را صحیح‌تر دانسته‌اند. <sup>۲۹</sup> مؤلف کتاب النجوم الزاهره سال ۲۸۸ را نیز به نقل از تاریخ اسلام ذهبی آورده است. <sup>۳۰</sup> مؤلف کشف الظنون وفات او را ۲۹۷ ذکر کرده است، با این همه زرین کوب تاریخ ۲۸۶ را صحیح دانسته است. <sup>۳۱</sup>

### اعتبار علمی خزاز

ابوسعید خزاز شاگرد محمد بن منصور طوسی بود<sup>۳۲</sup> از ابراهیم بن بشار خراسانی<sup>۳۳</sup> ابراهیم بن ادهم<sup>۳۴</sup> و محمد بن منصور طوسی<sup>۳۵</sup> حدیث روایت کرده است. مدتی نیز نزد ابی جعفر قصاب در رمله

۱۹. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۳.
۲۰. اللباب فی تهذیب الانساب، جزء اول، ص ۴۲۹.
۲۱. البداية و النهایه، ج ۱۱، ص ۶۸.
۲۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۰.
۲۳. تاریخ گزیده، ص ۶۴۵.
۲۴. انساب، ج ۲، ص ۳۳۶.
۲۵. تاریخ التراث العربی، مجلد اول، ج ۴، ص ۱۲۷.
۲۶. همان و نیز بروکلان، ص ۶۳؛ تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ص ۱۸۱.
۲۷. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۳؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۲۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۰.
۲۸. طبقات الصوفیه، سلمی، ص ۲۲۸؛ صفة الصفوه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ المنتظم، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ العبر فی خبر، ج ۱، ص ۴۱۲؛ الكامل، ج ۷، ص ۴۴۰؛ اللباب، جزء اول، ص ۳۲۹؛ تاریخ اسلام ذهبی، ص ۷۸، ذیل حوادث، ۲۸۱-۲۹۰؛ النجوم الزاهره، جزء ثالث، ص ۱۲۱؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۱۹۲؛ تاریخ التراث، ج ۴، ص ۱۲۷؛ ابعاد عرفانی اسلام، ص ۱۱۷.
۲۹. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۳؛ الكامل، ج ۷، ص ۴۴۰؛ البداية و النهایه، ج ۱۱، ص ۶۸.
۳۰. النجوم و الزاهره، جزء ثالث، ص ۱۲۱.
۳۱. جستجو در تصوف ایران، ص ۱۲۳.
۳۲. نفعات، ص ۷۲ و ۵۰.
۳۳. طبقات سلمی؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰؛ معجم الاقناب، ج ۳، ص ۴۵۷.
۳۴. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰؛ معجم الاقناب، ج ۳، ص ۴۵۷.
۳۵. النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰؛ معجم الاقناب، ج ۳، ص ۴۵۷.

به سر برده است.<sup>۳۶</sup> در میان اهل تصوّف مقامی بلند داشته است. اقوال زیر بلندی مقامش را نشان می‌دهد:

«شیخ الاسلام گفت که وی خویشان را به شاگردی جنید فرامی‌نمود، اما بار خدای جنید بود. از یاران و اقران وی است لیکن مه از وی است.»<sup>۳۷</sup>

«شیخ الاسلام گفته که آن که می‌گویند که بایزید سیدالعارفین است، سید عارفین حقّ است سبحانه. و اگر از آدمیان می‌گویی احمد عربی صل علیهم وسلّم و اگر از این طایفه ابوسعید خَرّاز.»<sup>۳۸</sup>  
«مرتضی گوید: همه خلق و بالند بر خَرّاز چون در چیزی از حقایق سخن گوید.»<sup>۳۹</sup>

«شیخ الاسلام گفته که: از مشایخ هیچ‌کس مه از وی نشناسم در علم توحید. همه بر وی و بالند هم واسطی هم فارس عیسی بغدادی و غیر ایشان ... و هم وی گفت: که نزدیک است که خَرّاز پیغمبر بودی از بزرگی خویش. امام این کار اوست.»<sup>۴۰</sup>

«شیخ الاسلام پس از خَرّاز رویم را مه نهادی پس جنید و نوری.»<sup>۴۱</sup> خواجه عبدالله گفته است: «در ابوسعید ریزگکی لنگی در می‌بایست که کسی بازو نمی‌تواند رفت. در واسطی ریزگکی رحمت می‌بایست و در جنید ریزگکی تیزی در می‌بایست که وی علمی بود.»<sup>۴۲</sup> جنید درباره او گفته است: «لو طالبنا الله تعالی بحقیقته ما علیه ابوسعید خراز هلكنا»<sup>۴۳</sup> وی به ارشاد نیز اشتغال داشت: عباس بن المهتدی به ابوسعید خَرّاز خرده گرفت که «یا باسعید شرم نداری که اندر زیر بنای ابودانیق نشینی و از حوض زبیده آب خوری و اندر ورع سخن‌گویی.»<sup>۴۴</sup> ابوسعید خَرّاز می‌گوید: با غیر او جایی می‌رفتم. ابلیس پیش آمد. گفتم: ای ملوّن، چرا که فرمان داد خلاف کردی و پای از حدّ خود بیرون

۳۶. اللّمع، ص ۲۰۵.

۳۷. نفعات، ص ۷۲.

۳۸. همان، ص ۷۲.

۳۹. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۲؛ نفعات، ص ۷۳.

۴۰. نفعات، ص ۷۳.

۴۱. طبقات انصاری، ص ۲۶۴.

۴۲. طبقات انصاری، ص ۱۵۹.

۴۳. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۲؛ صفة الصّفوة، ج ۱، ص ۲۶۲؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۱؛ نفعات، ص ۷۳؛ شذرات، ج ۲، ص ۱۹۲؛ النجوم الزاهره، ج ۳، ص ۷۶.

۴۴. ترجمه رساله قشیریه، ص ۱۷۳؛ تذکره، ص ۴۶۰.

نهادی؟ گفت یا باسعید، چرا چنین سخنان گویی؟ این سخن اگر طفلی گوید از وی نیکو نبود فکیف تو! مضایق راه کشیده‌ای و گرم و سرد اقدام چشیده‌ای و اسرار و مقادیر دانسته‌ای. آن‌گاه مرا ملامت می‌کنی؟<sup>۴۵</sup>

### معاصران خزاز

خزاز با ذوالنون مصری<sup>۴۶</sup>، نجاجی،<sup>۴۷</sup> ابوعبید بسری،<sup>۴۸</sup> سرّی سقطی،<sup>۴۹</sup> بشر حافی،<sup>۵۰</sup> ابو عبدالله عمرو بن عثمان المکی،<sup>۵۱</sup> کتانی،<sup>۵۲</sup> ابوالقاسم مردان،<sup>۵۳</sup> ابوبکر وراق،<sup>۵۴</sup> علی ابن الموفق،<sup>۵۵</sup> ابوبکر شقاق،<sup>۵۶</sup> ابوجعفر سیدلانی،<sup>۵۷</sup> یوسف بن حسین رازی،<sup>۵۸</sup> ابو حمزه خراسانی،<sup>۵۹</sup> ابراهیم سعد علوی،<sup>۶۰</sup> ابن بنان<sup>۶۱</sup> و ابو حمزه بغدادی البرّاز<sup>۶۲</sup> معاشرت داشته است.

ابوسعید نسبت به بعضی بزرگان توجهی خاص داشت. از نوشته‌ها برمی‌آید که با نوعی بی‌اعتنایی همراه با عزّت نفس با ائمّه صوفیه برخورد می‌کرده است. «ابوسعید ابوالعباس احمد بن محمد

۴۵. روح الارواح، ص ۴۵۹.
۴۶. کشف المحجوب، ص ۱۸۰؛ ترجمه رساله قشیریه، ص ۶۲؛ صفة الصفوة، ج ۱، ص ۲۶۴؛ معجم الآداب، ج ۳، ص ۴۵۷؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ نفعات، ص ۷۲.
۴۷. قشیریه، ص ۶۲؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۰؛ تاریخ اسلام ذهبی، ص ۷۸؛ نفعات، ص ۷۲.
۴۸. قشیریه، ص ۶۲؛ صفة، ج ۱، ص ۲۶۴؛ معجم الآداب، ج ۳، ص ۴۵۷؛ تاریخ اسلام ذهبی، ص ۷۸؛ نفعات، ص ۷۲.
۴۹. کشف المحجوب، ص ۱۸۰؛ قشیریه، ص ۶۲؛ صفة، ج ۱، ص ۲۶۴؛ معجم الآداب، ج ۳، ص ۴۵۷؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۰؛ نفعات، ص ۷۲.
۵۰. همان.
۵۱. قشیریه، ص ۵۸؛ طبقات انصاری، ص ۲۳۲؛ نفعات، ص ۸۳.
۵۲. طبقات سلمی، ص ۳۷۳؛ قشیریه، ص ۷۴؛ تذکره، ص ۵۶۴.
۵۳. قشیریه، ص ۶۵۲.
۵۴. همان.
۵۵. همان، ص ۶۱۵.
۵۶. طبقات انصاری، ص ۴۶۱؛ نفعات، ص ۱۸۳.
۵۷. طبقات انصاری، ص ۴۱۳؛ نفعات، ص ۱۷۰.
۵۸. تذکره، ص ۳۸۲؛ نفعات، ص ۹۷.
۵۹. کشف المحجوب، ص ۱۸۳؛ طبقات انصاری، ص ۱۴۴؛ نفعات، ص ۶۹.
۶۰. کشف المحجوب، ص ۴۸۸.
۶۱. تلبیس ابلیس، ص ۱۸۷؛ طبقات سلمی، ص ۳۸۹.
۶۲. طبقات انصاری، ص ۱۴۸ و ۴۴۱.

بن سهل الارمی را بزرگ می داشت و جز وی کسی را به تصوّف مسلّم نمی دانست. <sup>۶۳</sup> «ابوسعید خُرّاز در کار او [ابن عطا] مبالغت کردی و جز او را به تصوّف مسلّم نداشتی». <sup>۶۴</sup>

پیروان ابوسعید خُرّاز را از اقوالی که در کتابها آمده است می توان شناخت. صیدلانی و ابوالقاسم عثمان بن مردان التّهاوندی از شاگردانش بودند. «ابوالحسین بن بنان رحمة الله نسبت به ابوسعید خُرّاز کردی». <sup>۶۵</sup> از ابوسعید خُرّاز علی بن محمّد الواعظ مصری، ابو محمد الجریری، علی بن حفص الرّازی و محمد بن علی کتّانی حدیث نقل کرده اند. <sup>۶۶</sup> ابن عساکر از ابوبکر احمد بن الحسن الرّزّاق و محمد بن احمد بن مقاتل نیز به عنوان راویان حدیث از ابوسعید نام می برد. <sup>۶۷</sup>

مردم مصر او را به سبب نوشتن کتاب السّرّاز شهر بیرون کردند. <sup>۶۸</sup> «خُرّاز را از مصر بیرون کردند. پرسیدند از وی که تو را به چه بیرون کردند. جواب داد که من گفتم میان من و حق حجاب نیست». <sup>۶۹</sup> مردم مکه نیز بر او شوریدند ابوبکر کتّانی در این باره می گوید: تکلم ابوسعید احمد بن عیسی الخُرّاز بکفة فی مسألة علم فانکروا علیه فوجهه الیه الامیر: قم فأخرج من مکه فتناول نعلته و قام لیخرج فقلنا له: اجلس یا اباسعید حتی ندخل علی الامیر و تخاطبه بما یصلح و نعرفه بمکانک. فقال: معاذ الله استکتوا فلو قال غیر هذا اهتمت حالی فی ایینی و بین الله عزوجلّ هذا ضدّ من این یقبلنی الا لعله فی و خرج. <sup>۷۰</sup> قال السّلمی: انکر اهل مدینة مصر علی ابی سعید و کفروه بالفاظ فانه قال فی کتاب السّرّ. فاذا قیل لاحدهم: ما تقول؟ قال الله و اذا تکلم قال: الله و اذا نظر قال الله فلو تکلمت جوارحه قالت: الله و اعضاؤه مملوءة من الله فانکروا علیه هذه الالفاظ و اخرجوه من مصر. <sup>۷۱</sup>

سراج گوید عده ای از علما ابوسعید خُرّاز را در این قولش انکار و تکفیر کرده اند که در کتاب السّرّ نوشته است: بنده ای که مطیع آنچه خدا اجازه داده است باشد، پس ملتزم بزرگداشت خدا باشد. خداوند نفس او را صفت تقدیس بخشد. <sup>۷۲</sup>

۶۳. کشف المحجوب، ص ۱۸۸.

۶۴. طبقات انصاری، ص ۳۵۷؛ تذکره، ص ۴۸۸.

۶۵. قشیریه، ص ۷۶.

۶۶. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰؛ النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۱۹.

۶۷. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۰.

۶۸. النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۱؛ طبقات الشّافعیه کبری، ج ۸، ص ۷۹.

۶۹. طبقات انصاری، ص ۱۸۳.

۷۰. تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۱۷.

۷۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۱؛ تذکره الاولیاء، ص ۴۵۷.

۷۲. ترجمه تلبیس ابلیس، ص ۱۴۰.

## آثار خزاز

الف) آثار چاپ شده:

۱. کتاب الصدیق، شهید علی ۵/۱۳۷۴ (قرن هفتم هجری) (به نقل از سزگین).
۲. کتاب الصدق (چاپ سنگی)، مطبوعات اداره اسلامی ریسرچ ایسوی ایشن، همفری ملفروط، چاپ بمبئی، شماره ۳ (متعلق به آستان قدس رضوی).
۳. کتاب الصدق: به تصحیح آربری.
۴. کتاب المسائل، تحقیق و ترجمه به انگلیسی به کوشش آربری.
۵. کتاب المسائل، از مجموعه روایات صوفیه، شهید علی پاشا: برلین God sim ۶۵ (به نقل از بروکلیمان).

ب) آثار خطی: به نقل از فواد سزگین و پل نویا

۱. کتاب الصفات، متعلق به مجموعه قسطمونی ۲۷۱۳ (من ۵۷ ب - ۶۲ ا - ۶۱۵ ه) نگاه کنید به: احمد آتش در مجله I. A. Ates, Oriens. 5/1952/29
  ۲. کتاب الضیاء، در مجموعه قبلی (من ۶۲ ب - ۶۴ ب - ۶۱۵ ه).
  ۳. کتاب الکشف و البیان، در مجموعه قبلی (من ۶۴ ب - ۷۰ ب - ۶۱۵ ه).
  ۴. کتاب الفراغ، در مجموعه قبلی (من ۱۷۸ ا - ۸۷ ب - ۶۱۵ ه).
  ۵. کتاب الحقایق، در مجموعه قبلی (من ۸۸ ب - ۱۳۳ ا - ۶۱۵ ه).
- شایان ذکر است که پل نویا در کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی به طور مبسوط نسخه‌های فوق را شرح داده است.

ج) آثاری که فعلاً در دست نیست:

۱. کتاب السّر (به نقل از تلبیس ابلیس، ص ۱۴۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۱؛ طبقات انصاری، ص ۱۸۳؛ تذکره الاولیاء، ص ۴۵۷؛ طبقات الشافعیه کبری، ج ۸، ص ۷۹).
۲. درجات المریدین، به نقل از اللّمع، ص ۲۶، ۲۶۴.
۳. ادب الصّلاة، به نقل از اللّمع، ص ۱۵۳.
۴. کتاب الصّیام، به نقل از کشف الظّنون که به نظر می‌رسد اشتباه باشد و مربوط به شخصی دیگر به نام احمد بن عیسی بن زید باشد.

## معرفی و ذکر خلاصه‌ای از آثار

الف) کتاب الصدق: از این کتاب دو نسخه چاپی موجود است، یکی که در بمبئی چاپ سنگی شده است و در اختیار کتابخانه آستان قدس رضوی است، بدون تاریخ کتابت و چاپ به کوشش اسماعیل بن سودکین کتابت شده است. نسخه دیگر با تحقیق و مقدمه انگلیسی آربری است. نوپا معتقد است که کتاب الصدق کتاب تعلیمی کوچکی در تصوّف و خاصّ مبتدیان است. کتابی است که خراز در آن تعلیم زاهدانه رایج در زمان خود را درباره چند مفهوم اساسی از قبیل صدق و اخلاص و صبر گرد آورده است. (نگاه کنید به: تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ص ۱۹۷).

این کتاب سؤال و جوابی است که با ابوسعید خراز رفته است. وی درباره صدق و معانی کلی آن و مراتب صدق (اخلاص، صدق، صبر) و ذکر اهمّیت آن با نقل آیات و احادیث سخن می‌گوید و در آن برای مرید دانستن سه اصل واجب شمرده می‌شود: اخلاص، صدق، صبر و پس از آن گفته می‌شود که هیچ کدام از اینها بدون صدق کامل نیست. آنگاه صدق در اخلاص و صدق و صبر توضیح داده می‌شود. سپس مؤلف به صدق و معانی مختلف آن می‌پردازد.

ب) کتاب الصفات: رساله‌ای از مجموع نسخ رساله خراز که در سال ۱۹۵۲ به همت مرحوم ا. آتش کشف شد و در مجموعه کتابخانه قسطنطنیه شماره ۷۱۳، برگ ۵۷ الف تا ۸۷ Oriens، ۱۹۵۲ وجود دارد. این رسالات تحت عنوان مشترک «کتاب الشیخ الخراز فی کلم الاشارات» گرد آمده است، و منقسم به دو مجلد است. جلد اول شامل کتاب الصفات، کتاب الضیاء و کتاب الکشف و البیان است. جلد دوم کتاب الفراغ و کتاب الحقایق را دربر دارد.<sup>۷۳</sup>

ج) کتاب الضیاء: که سلمی قطعه‌ای از آن را در حقایق التفسیر خود آورده است. خراز در این کتاب به سبکی فشرده و مبهم هفت مرتبه کسانی را که به نام اهل تیهوهیه و حیروریه می‌خواند توصیف می‌کند.<sup>۷۴</sup>

د) کتاب الکشف و البیان: که در مجموعه سابق الذکر جزء مجلد اول است.<sup>۷۵</sup>

ه) کتاب الفراغ: خراز در این کتاب می‌کوشد تا حدود و تجربه مذهبی عرفانی را روشن تر کند. هدف او در این رساله نخست استخراج مبانی مردم‌شناسی تجربه و سپس نشان دادن این معنی است که چگونه تجربه به ساختارهای روانی انسان پیوند می‌خورد.<sup>۷۶</sup>

۷۳. تفسیر قرآنی، ص ۱۹۹.

۷۴. همان، ص ۱۹۹.

۷۵. همان، ص ۲۰۵.

۷۶. همان، ص ۲۰۶.



و) کتاب الصفات: بر شمردن هفت منزل برای سفر به سوی خدا. ۷۷  
ز) کتاب الحقایق یا حقیقت کلمات: که در آن معنی بیش از هفتاد و دو اصطلاح به دست داده می شود. ۷۸

### کتابشناسی ابوسعید خزاز

کتاب چاپی:

۱. تفسیری بر عشری از قرآن مجید: مؤلف ناشناخته، ص ۳۹۷.
۲. اللّمع فی التّصوف: ابی نصر عبدالله بن علی السّراج الطّوسی، (متوفی ۳۷۸)، ص ۳۳، ۳۵، ۴۵، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۹، ۸۱، ۸۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۰۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۵۸، ۳۷۰، ۴۲۸.
۳. التّعرف لمذّهب التّصوف: ابی بکر محمد بن ابراهیم البخاری الکلابادی (متوفی ۳۸۰)، صفحات ۳۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۴۳۲.
۴. طبقات الصّوفیه: ابی عبدالرحمان سلمی (متوفی ۴۱۲)، ص ۲۹، ۳۱، ۱۸۵، ۲۰۰، ۲۲۸ تا ۲۳۲، ۲۶۵، ۳۲۶، ۳۷۳، ۳۸۹.
۵. حلیة الاولیاء: حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰)، ج ۱۰، ص ۲۴۶ تا ۲۴۹.
۶. شرح تعرّف لمذّهب التّصوف: خواجه امام ابوابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴)، ربع چهارم، ص ۱۱۳.
۷. تاریخ بغداد: امام حافظ ابی بکر احمد بن علی الخطیب بغدادی، (متوفی ۴۳۶)، ج ۵، ص ۳۱، ۳۲، ۳۳.
۸. تاریخ بغداد: ابن خطیب بغدادی (چاپ سری مصر)، ج ۱۴، ص ۴۳۹.
۹. کشف المحجوب: علی هجویری (متوفی ۴۶۴)، ص ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۱۶، ۴۸۰، ۴۸۸.
۱۰. رسالۀ قشیریّه: ابوالقاسم قشیری (متوفی ۴۶۵)، ص ۱۷، ۲۱، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۹۸.

۷۷. همان، ص ۲۱۳ که متن کتاب در ص ۲۱۶ تا ۲۲۹ آمده است.

۷۸. همان، ص ۲۲۹ و ۲۳۱.

١٧٣. ٢٥٠، ٢٥٨، ٢٧٦، ٢٩٢، ٣٢٥، ٣٦٧، ٣٦٩، ٣٨١، ٣٩٠، ٤٣٤، ٤٥٥، ٤٧١، ٤٧٥، ٥٢٥.
- ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٥٠، ٥٥١، ٥٧١، ٦٠٦، ٦١٤، ٦٥٢، ٦٦٥، ٧٢٠.
١١. طبقات الصوفية: خواجه عبدالله انصاری، (متوفى ٤٨١)، ص ١٠٥، ١٥٩، ١٦٠، ١٨١، ١٨٢، ١٨٣، ٢٦١، ٢٦٤، ٣٥٧، ٤٤١، ٤٤٨، ٥٨٠، ٥٨٦، ٦٣٥، ٦٤٦، ٦٤٩ و نیز ٣٨، ٩٣، ١٢٦، ١٤٤، ١٤٨، ١٩٧، ٢٣٢، ٢٦٠، ٢٦٧، ٣٣٩، ٤١٣، ٤٤١، ٤٨٩، ٥٥٤.
١٢. كشف الاسرار: خواجه رشيدالدين فضل الله ميبدي، (متوفى بعد از ٥٢٠)، ج ٤، ص ٩٦، ٤٦٠، ج ٣، ص ١٥٦.
١٣. الاتساب: ابی سعيد عبدالکريم بن محمد بن منصور التيمي سمعانی (متوفى ٥٦٢)، ج ٢ و ٣٣٥ و ٣٣٦.
١٤. روح الارواح: سمعانی (متوفى ٥٦٢) ص ٤٥٩.
١٥. تاريخ مدينة دمشق: ابن عساكر، (متوفى ٥٧١)، ج ٧، ص ١١٠ تا ١٢٢.
١٦. المنتظم: ابن جوزی (متوفى ٥٩٧)، ج ١٢، ص ٢٨٢.
١٧. صفة الصفة: ابن جوزی (متوفى ٥٩٧)، ج ١، ص ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٤؛ ج ٢، ص ٢٦٠.
١٨. تلبیس الیلبیس: ابن جوزی (متوفى ٥٩٧)، ص ١٤٠، ١٨٧، ١٩٩، ٢١٨، ٢٢٧، ٢٤٢.
١٩. تذكرة الاولياء: عطار - (متوفى ٦١١)، ص ٣٨٢، ٤٢٧، ٤٥٢، ٤٥٦، ٤٨٨، ٤٨٩، ٥٦٤، ٨٦٢.
٢٠. وفيات الاعيان: ابن خلكان (٦٠٨، ٦٨١)، ج ٣، ص ١٥٢.
٢١. اللباب في تهذيب الاتساب: ابن اثير جزري (متوفى ٦٣٠)، ج ١، ص ٤٢٩.
٢٢. الكامل في التاريخ: ابن اثير جزري (متوفى ٦٣٠)، ج ٧، ص ٤٤٠.
٢٣. فتوحات مكيه: ابن عربي (متوفى ٦٣٨)، ج ٢، ص ٣٩٨.
٢٤. مجمع الآداب في معجم الاقلام: ابن فوطی (متوفى ٧٢٣)، ج ٣، ص ٤٥٧.
٢٥. تاريخ كزیده: حمدالله مستوفی (متوفى ٧٣٠)، ص ٦٤٥.
٢٦. العبر: حافظ ذهبي (متوفى ٧٤٨)، ج ١، ص ٤١٢.
٢٧. سير اعلام النبلاء: احمد ابن عثمان حافظ الذهبي (متوفى ٧٤٨)، ج ١٣، ص ٤١٩ تا ٤٢٢.
٢٨. تاريخ اسلام و وفيات المشاهير و الاعلام: عثمان ذهبي (متوفى ٧٤٨)، كتاب حوادث ص ٢٨١ تا ٢٩٠، ص ٧٨-٧٩.
٢٩. طبقات الشافعية الكبرى: سبكي (متوفى ٧٧١)، ج ٢، ص ٣٣٩، ج ٣، ص ١٥٢، ٣٨١؛ ج ٨، ص ٢٩٠.

۳۰. البداية و النهاية: ابن كثيرالدمشقي (متوفى ۷۷۴)، ج ۱۱، ص ۶۷-۶۸.
۳۱. التَّجْوِمُ الزَّاهِرُ: جمال الدِّين ابى المحاسن يوسف بن تَعزى (متوفى ۸۷۴)، جزء ثالث، ص ۷۶ و ۱۲۱.
۳۲. نَفْحَاتِ الْاِنْسِ: جامى (متوفى ۸۹۸)، ص ۵۰، ۶۱، ۶۲، ۶۹، ۷۰، ۷۲ تا ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۹۷، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۴۲، ۲۷۲، ۶۹۰ تا ۶۹۲.
۳۳. شذرات الذهب: ابن عماد، (متوفى ۱۰۸۹)، ذيل حوادث سال ۲۸۶؛ ج ۲، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.
۳۴. الوافى بالوفيات: صلاح الدِّين خليل بن ابيك الصفدى، جزء ۶، قسم ۷، ص ۲۷۵.
۳۵. التصفية فى احوال المتصوفة: قطب الدِّين ابوالمظفر اردشير عبادى، ص ۲۹۷، ۳۷۸.
۳۶. بحر المعارف: ملا عبدالصمد همدانى (متوفى ۱۲۱۶)، ج ۲، ص ۱۸۳.
۳۷. معجم المؤلفين: كحاله، ج ۲، ص ۳۸.
۳۸. هدية العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين: اسماعيل پاشا، بغدادى، ص ۵۵.
۳۹. تاريخ التراث العربى: سزگين، ج ۴، ص ۱۲۷ تا ۱۲۸.
۴۰. تاريخ الادب العربى: كارل بروكلمان، ج ۳، ص ۶۳ تا ۶۴.
۴۱. جستجو در تصوف ايران: زرین کوب، (متوفى ۱۳۷۸ ش)، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۴۲. تفسير قرآنى و زبان عرفانى: پل نويبا، ص ۸، ۱۲، ۷۸، ۱۴۲، ۱۸۱، ۱۹۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۵، ۲۹۸، ۳۱۴.
۴۳. ابعاد عرفانى اسلام: آن مارى شيمبل، ص ۱۱۷.

### فهرست منابع

۱. مؤلف ناشناخته: تفسیرى بر عشرى از قرآن مجيد (نسخه محفوظ در کتابخانه بریتانیا، تصحيح دكتور متينى، انتشارات بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۲).
۲. ابن اثير، عزالدین، ابى الحسن على بن ابى الكرم محمد بن محمد بن عبدالكريم بن عبدالواحد شيبانى: الكامل فى التاريخ، دارصادر، داربيروت، ۱۳۸۵ ق، (مجلد سابع).
۳. همو: اللباب فى تهذيب الانساب، دار صادر، بيروت (۱۴۰۰ ق).
۴. ابن جوزى، ابى فرج عبدالرحمن بن على بن محمد (متوفى ۵۹۷ هـ ق): المنظم فى التاريخ الامم والملوك، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲.

٥. همو، تلبیس الیسیس: ترجمه علیرضا ذکاونی قرآگزلو، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۸ هـ.ش.
٦. همو: صفة الصفوه: دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
٧. ابن خلّکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی‌بکر: و فیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، منشورات شریف الرضی قم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
٨. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی بن محمد علی بن احمد (۸۵۲ ق): لسان المیزان، تحقیق عبدالرحمن المرشی، دار احیاء التراث العربی، بیروت طبعه الاولى، ۱۴۱۶ ق.
٩. ابن عربی، محیی‌الدین (متوفی ۶۳۸): فتوحات مکیه، تحقیق عثمان یحیی، ابراهیم مدکور، المكتبة العربية، قاهره، ۱۳۹۲ ق، ج ۲.
١٠. ابن عساکر، الامام حافظ ابی‌القاسم علی بن الحسن بن هبة عبدالشافعی (متوفی ۵۷۱): تاریخ مدینة دمشق، تحقیق عبدالغنی الدقر، مطاع الطرایبیشی، دار الفکر دمشق، ج ۷.
١١. ابن عماد حنیفی، ابی‌الفلاح عبدالحی: شذرات الذهب اخبار من ذهب، مکتبه القدسی، مصر، ج ۲.
١٢. ابن فوطی شیبانی، کمال‌الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد (متوفی ۷۲۳ ق): مجمع الآداب فی معجم الالتاب، تحقیق محمد کاظم، مؤسسه الطباعة و النشر، وزارت الثقافة و الارشاد الاسلامی، طبعه الاولى، ۱۴۱۶ ق.
١٣. اتابکی، جمال‌الدین ابی‌المحاسن یوسف بن تغری بردی: النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره، دارالکتاب مصر، جزء ثالث.
١٤. اصفهانی، حافظ ابی‌نعیم احمد بن عبدالله: حلیة الاولیاء، دارالکتب علمیه، بیروت.
١٥. انصاری، خواجه عبدالله: طبقات الصوفیه، تصحیح دکتر سرور مولایی، انتشارات توس، بهار ۱۳۶۲ هـ.ش.
١٦. بروکلیمان، کارل: تاریخ الادب العربی، دارالکتاب الاسلامی، قم ج ۳.
١٧. بغدادی، اسماعیل پاشا: هدیة العارفين اسماء المولفين و آثار المستقین من کشف الظنون، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
١٨. جام نامق، احمد (معروف به ژنده پیل): انس الثائبین و صراط المبین، تصحیح علی فاضل، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تابستان ۱۳۵۰.
١٩. جامی، نورالدین عبدالرحمن: فحاحات الانس من حضرات القدس، دکتر محمود عابدی، اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.

۲۰. حاجی خلیفه، مصطفی عبدالله: القسطنطینی الرومی حنفی شہر بہ ملاکاتب چلبی (متوفی ۱۰۶۷): کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دارالفکر، بیروت.
۲۱. حافظ ذہبی، امام شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (متوفی ۷۴۸ ق): سیر اعلام النبلاء، تصحیح شعیب الارنؤوط، علی ابوزید، مؤسسۃ الارشاد، بیروت، طبعہ رابعہ، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. هو: العبر فی خبر من غیر، بہ کوشش ابوہاجر محمد السعید بن سیونی زغلول، دارالکتب العلمیہ، بیروت لبنان، (جزء اول جلد اول).
۲۳. هو: تاریخ اسلام و وفیات المشاہیر و الاعلام، دارالکتاب عربی، طبعہ الاولى، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. هو: میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجادی، دارالفکر.
۲۵. حقیقت، عبدالرفیع: تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، انتشارات کومش، چاپ دوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۲۶. خطیب بغدادی، امام حافظ ابی بکر احمد بن علی: تاریخ بغداد او مدینۃ الاسلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتاب علمیہ، بیروت، طبعہ الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. دایرۃ المعارف بزرگ اسلامی: ذیل خزاز.
۲۸. زرکلی، خیرالدین: اعلام (قاموس الرجال)، انتشارات دارالعلم للملایین، بیروت، ج ۱.
۲۹. زرین کوب، عبدالحسین: جستجو در تصوف ایران، امیرکبیر، چاپ چہارم، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۳۰. سبکی، تاج الدین ابی نصر عبدالوہاب بن علی بن عبدالکافی (متوفی ۷۷۱ ق): طبقات الشافعیہ الکبری، دار احیاء کتاب عربی، ج ۲ و ۳.
۳۱. سراج طوسی، ابی نصر عبدالله بن علی (متوفی ۳۷۸ ق): اللمع فی التصوف، تصحیح رنولد نیکلسون، طبع فی مطبعہ بریل، لندن، ۱۹۱۴ م.
۳۲. سرکیس، یوسف لیان: معجم المطبوعات العربیة و المرعبة، منشورات مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. سرگین، فواد: تاریخ التراث العربی، نشر مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، قم، الطبعہ ثانیہ (ج ۴، عقاید و التصوف).
۳۴. سلمی، ابی عبدالرحمن: طبقات الصوفیہ، تحقیق نورالدین سدینہ، جماعۃ الازھر، طبعہ اولی، ۱۳۷۲ ق.
۳۵. هو: مجموعۃ آثار، گردآوری نصر اللہ پورجوادی، نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ج ۲.
۳۶. السمعانی، ابی سعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی (متوفی ۵۶۲): الانساب، دارالجنان، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۳۷. السمعانی، شهاب‌الدین احمد: روح الارواح في شرح اسماء الملك الفتح، به اهتمام نجيب مايل هروی، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
۳۸. شيمل، آن ماری: ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه دکتر عبدالرحيم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۳۹. الصفدی، صلاح‌الدین خليل بن ابيک: الوافی بالوفیات، التّشرّات اسلامیه، جزء ۶، قسم ۷.
۴۰. عبادی، قطب‌الدین ابوالمظفر منصور بن اردشير: التصفية في احوال المتصوفة، تصحيح دکتر غلامحسين يوسفی، انتشارات بنياد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ ه.ش.
۴۱. عطار نيشابوری، فریدالدین: تذکرة الاولیاء، تصحيح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوّار، چاپ ششم، ۱۳۷۰ ه.ش.
۴۲. فروزانفر، بدیع‌الزمان: احاديث مثنوی، اميرکبير، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ه.ش.
۴۳. قشیری، ابوالقاسم: رساله قشيره، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحيح بدیع‌الزمان فروزانفر، علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
۴۴. کحاله، عمررضا: معجم المؤلفين (تراجم مصنفی الکتب العربيه)، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۱۴ ق.
۴۵. کیانی، محسن: تاریخ خانقاه در ایران، کتابخانه طهوری، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۴۶. مستملی بخاری، خواجه امام ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد: شرح التعرف لمذهب التصوف. انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه.ش.
۴۷. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر احمد بن نصر: تاریخ گزیده، انتشارات امیرکبير، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ه.ش.
۴۸. ميبدي خواجه، ابوالفضل رشيدالدین: كشف الاسرار و عدة الابوار، به اهتمام علی اصغر حکمت، اميرکبير، ۱۳۶۱ ه.ش.
۴۹. نوياء، پل: تفسير قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعيل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
۵۰. واعظ کاشانی، مولانا فخرالدین علی بن حسين: رشحات عين‌الهیات، به کوشش علی اصغر معینیان.
۵۱. هجویری غزنوی، علی بن عثمان، كشف الهجوب، تصحيح ژوکوفسکی، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۵۲. همدانی، م‌العبدالصمد: بحرالمعارف، ترجمه حسين استاد ولی، انتشارات حکمت، ۱۳۷۴ ه.ش.